

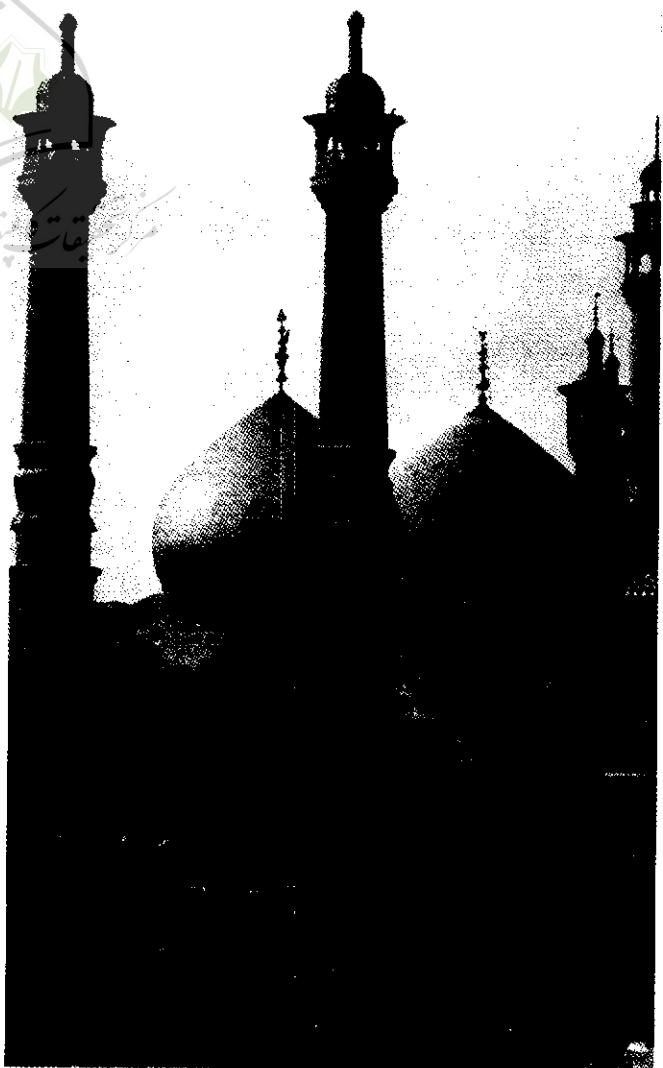
یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های بقاع متبرکه و امامزادگان، جاذبه معنوی آنهاست. این ویژگی زمانی بیشتر جلوه‌گر می‌شود که می‌بینیم افرادی با مذاهب و فرهنگ‌های غیراسلامی از راه‌های دور به دیدار این اماکن می‌آیند. از این روست که سفرنامه‌ها از گنجینه‌های ادبی و هنری باارزشی هستند که علاوه بر جذابیت هنری و تاریخی، دارای طرایف و نکات فراوانی در این مورد هستند. با مطالعه این سفرنامه‌ها می‌توان به وضعیت مکان‌های مقدس و متبرک در جوامع اسلامی و خصوصیات آنها پرداز. به دلیل کثرت و تنوع سفرنامه‌ها، تقسیم‌بندی سفرنامه‌های راهگشای این تحقیق خواهد بود. در این تقسیم‌بندی می‌توان سفرنامه‌های معاصران را از سفرنامه‌های گذشته و همچنین سفرنامه‌های مذهبی را زیر مذهبی جدا کرد. مسائل مختلف مربوط به مذهب از قبیل اعتقادات مذهبی، باورهای دینی، نمای ظاهری اماکن مذهبی و شیوه اجرای آداب دینی در داخل مساجد و کلیساها نیز از دید سفرنامه‌نویسان مخفی نمانده است که این عوامل نیز می‌توانند بخشی از اجزای این تقسیم‌بندی باشد.

هدف از این تحقیق، آشنایی کلی با نحوه برخورد سفرنامه‌نویسان قدیم و جدید با فضای معنوی شهرهای مذهبی و مقایسه حال و هوایهای متفاوت سفرنامه‌نویسان با یکدیگر و یادآوری نکات مهم (ثبت و منفی) مربوط به بقاع متبرکه و اماکن مقدس شیعیان است. از سوی دیگر می‌خواهیم به این نکته اشاره کنیم که اگر به تصویرسازی سفرنامه‌نویسان در بیان واقعیات دقیق کنیم، می‌توان با رفع کاستی‌هایی که گاه از دید ما پنهان است، بر جاذبه این اماکن افروز و از این راه روزبه تقویت بنیان‌های دینی یاری رساند.

قم، به دلیل برخورداری از موقعیت ویژه از لحاظ مذهبی و مظاهر فرهنگ و تمدن ایران اسلامی سال‌هاست که دل و دیده میلیون‌ها زائر و سیاح داخلی و خارجی را به خود مشغول کرده است. هر کس که به قم سفر می‌کند با جاذبه‌ها، دیدنی‌ها و شنیدنی‌هایی روبرو می‌شود که ویژه این شهر است. این جاذبه‌ها برای کسی که

## از مکان سفرنامه‌نویسان اروپائی

محمود امیری



با آنها آشنا ندارد، البته بسی افرون تر است. حضور هزاران مرد و زن مؤمن و عاشق برگرد حرم نبیره پامبر (ص) نیز برای اکثر بینندگان خارجی همواره پر جاذبه و شگفت انگیز بوده است؛ چرا که آنان در رای این شکوه، حقیقت و معنویتی را دیده اند، اگرچه آنان در کنار این اعترافات، گاه از برخی موارد نامطبوع نیز سخن گفته اند. هر چند ذهنیت و نوع تربیت این سیاحان سبب می شده است که با نگرش خاصی به واقعیت هابنگرن و گاه با انگیزه های سیاسی و مذهبی، تعابیر سوء و ناروایی به کار برند، ولی صرف نظر از این انگیزه های آنها، دیدگاه ناظران خارجی برای مخالفی از فایده نخواهد بود.

می دانیم که پای بیشتر این سیاحان و جهانگردان، در آستانه به قدرت رسیدن صفویان به این مرزو بوم باز شده است. عصر جدید اروپا، که همزمان با دوران انحطاط مسلمانان آغاز شد، دیلماسی فعالی را بیجان می کرد که بتواند ارزیابی دقیقی از پدیده سیاسی اجتماعی نوین، از جمله تحولات دنیای اسلام ارائه کند؛ به ویژه که هیمنه و قدرت امپراتوری عثمانی هنوز هم می توانست در برابر طمع و رزی های آنان از خود مقاومت نشان دهد.

باتجزیه امپراتوری عثمانی این سد شکسته شد و اروپاییان، همچون سیل، به سرزمین های اسلامی سرازیر شدند. سرانجام انقلاب صنعتی و نیاز به مواد خام و بازار مصرف، استعمار نورانیگر از خشونت و تهاجم نظامی و دست اندازی به ممالک اسلامی ساخت. طلا و دار این تهاجمات گسترده، نمایندگان سیاسی و گاه مبلغان مسیحی و پدران روحانی بودند که به منظور شناسایی امکانات و جمع آوری اطلاعات و یا زمینه سازی برای جلب منافع استعماری به این سرزمین ها سفر می کردند.

البته در میان غربیان کسانی هم به قصد تفریج و یا از روی کنجکاوی به گشت و گذار می پرداختند و خاطرات و مشاهدات خود را ثبت و منتشر می کردند، ولی گویا در دوره جدید بیشتر آنان فارغ از انگیزه های سیاسی نبوده اند. یکی از اینان گارسیا دیسلوا فیگوئر، سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول، بود که گذری از سوی کاشان به قم داشته است. وی توانسته است شکوه و جلال بارگاه حضرت مقصومه (س) را انکار کند. از این رو پس از نقل واقعی، که سخت تردید بر انگیز است، در این باره می نویسد: «...پس از آنکه دیوار مسجد و قسمت پر جمعیت حومة شهر را پشت سر گذاشتیم، به پل بسیار بزرگی رسیدیم... هنگام عبور از پل یکی از حکام در دست چپ جاده و نزدیک شهر بنای مجللی را به سفیر نشان داد که از دور بهترین و باشکوه ترین ساختمان شهر می نمود. این بنا گندب و مناره هایی داشت که با کاشی های الوان پوشیده شده بود، ایرانیان از اشیای گرانبهای این بقعه و معجزاتی که هر روز در آن رخ می داد داستان ها می گفتند؛ از جمله بیان می کردند که هر روز عده زیادی بیمار در آن شفامی یابند و همه این عجایب مرهون وجود بانوی پرهیزگار و عالیقداری بود که پیش تراز او سخن گفته ایم؛ همان بانو که به دستور وی نزدیک حرم مقصوره یا آرامگاهش کاروانسرایی برای پذیرایی از زوار ساخته بودند».

پترو دلا واله، جهانگرد ایتالیایی، که کاتولیک متعصبی است، مزار حضرت مقصومه (س) را چنین توصیف می کند: «می گویند خواهر امام رضا، یکی از بازماندگان پیغمبر اسلام، در آنجادفن است و این خواهر نیز از طرف مردم، مقدس شمرده می شود و مدفن او را زیارتگاه عمومی است». یکی دیگر از جهانگردان پرآوازه ای که بسیار به ایران سفر کرده؛ تاورنیه، میان سال های ۱۶۳۲ و ۱۶۶۸، شش بار به مشرق زمین سفر کرد و بیش از آن بار به ایران آمد. تاورنیه ایران را نسبتاً خوب شناخته است؛ زیرا در شش سفر طولانی اش با نظری دقیق به همه امور توجه کرده، مشاهداتش را با صراحة و صداقت نگاشته است. او درباره شهر مقدس قم و مساجد آن می نویسد: «... قم یکی از شهرهای بزرگ ایران است که در جلگه صافی واقع شده... چیزی که در قم خیلی قابل ملاحظه است، مسجد خیلی بزرگی است که ایرانیان احترام آن را کمتر از مسجد اردبیل به جا نمی آورند و در همان جاست که مقبره شاه صفی و شاه عباس ثانی دیده می شود، و همچنین مقبره سیدتی فاطمه دختر حسین بن علی فرزند فاطمه زهرا و محمد (ص) می باشد.

... مقبره سیدتی فاطمه، نواده محمد (ص)، در آخر مسجد واقع شده است، به طوری که میان دیوار و قبر، یک آدم فقط می‌تواند عبور کند. اطراف قبر، ضریح بزرگی از نقره کشیده شده که شانزده پای مریع مساحت آن است. میله‌های آن گرد و محل تقاطع آنها مانند سیب گرد است. روشنایی چراغ‌هایی بسیار، که از چراغدانهای طلا و نقره‌ای بی‌شمار نورافشانی می‌کنند، جلوه و تلاوی غریبی به این مکان می‌دهد. داخل مسجد تازیر زوایای هشت گوش، که پایه طاق‌های گنبد روی آن است، تمام از کاشی‌های الوان بسیار اعلاست و طاق گنبد مسجد، به سان طاق درب مدخل آن، از طلا و لا جورد به سبک اعراب نقش و نگار شده است.

در هر طرف مسجد، نزدیک قبر سیدتی فاطمه، تالار بزرگی است برای فقرا و اشخاصی که باید از مטבח و خیرات سلطنتی غذا بخورند و در آنجا جمع شده‌اند. چنانچه سایقاً گفته‌ام در میان آنها پلو و انواع گوشت‌ها، که در کمال نظافت تدارک شده، تقسیم می‌نمایند». پربرگ و بارترین سفرنامه در عصر صفویه، سفرنامه شوالیه شاردن است. شاردن فرانسوی در زمان پادشاهی شاه عباس ثانی، و پسر و جانشینش شاه سلیمان، سه بار به ایران سفر کرد و افزون بر دوازده سال در این کشور به سر بردا. او جز زبان‌های فرانسوی و انگلیسی، زبان‌های ترکی و فارسی رانیز می‌دانست.

شاردن در باره اماکن مشرفه شهر تاریخی و مذهبی قم چنین گزارش می‌دهد: «وقتی به قم نزدیک می‌شدیم در هر طرف و هر جا مسجد‌های کوچک و مقبره‌هایی که مدفن نبیره‌های حضرت علی بود مشاهده می‌شد. مردم ایران نواده‌ها و نبیره‌های این خلیفه را امامزاده می‌نامند که به مثابه حواریون حضرت مسیح می‌باشند. در سراسر ایران عده زیادی امامزاده مدفونند، و همه در نظر ایرانیان مقدس می‌باشند. در قم و دیه‌ها و آبادی‌های مجاور آن افرون بر چهار صد امامزاده وجود دارد... ده بیت که بدین شرح با آب طلا بر بالای مدخل نوشته شده صاحب مقبره را معرفی می‌کند: تاریخ بنای سردر مقبره حضرت معصومه قم -علیها السلام- در زمان پادشاهی خیرآفرین شاه عباس ثانی که خدا دوران سلطنتش را پایnde بدارد این در رحمت به روی مردم گشوده گشت چنان دری که هر کس بدان بنگرد بهشت را از باد می‌برد. بینندگان چنان به خیره و به نظر شگفتی بر این بنا می‌نگرند که آسان نمی‌توانند دیده از دیدنش بر گیرند و به سان باد بگذرند. معصوم خلیفه مرشد کامل که خورشید گیتی آراز پرتو آرای جهان تابش روشنی گرفته و سیله یکی از نواب خود آقamlad این سه در باشکوه را، که از فرط رفعت و عظمت سربه آسمان می‌ساید، ساخته است. این است گذرگاه ورود به بارگاه رفیع و قدرمند حضرت معصومه که از خاندان جلیل حضرت رسالت -علیها السلام- است. خوشابه حال مؤمنان راستینی که بر این آستان رفیع درجات، که ماه و خورشید بر آن بوسه می‌زنند، سر می‌سایند و آن رازیارت می‌کنند. همچنان که تیر به هدف اصابت می‌کند ملتمسانی که از این آستان فیاض، مراد می‌طلبند البته به آرزوی خود می‌رسند. بی‌گمان تقدیر در برابر بانی و سازنده این درگاه که برای رضای خدا ساخته می‌شود، هرگز مانع به وجود نمی‌آورد.

حیاط دوم از نظر صفا و زیبایی همسنگ حیاط اول نیست؛ و اطراف حیاط سوم را، که دست کمی از حیاط اول ندارد، بناهای دو طبقه‌ای احاطه کرده که دارای ایوان و مهتابی می‌باشند، و جوی آبی همانند جوی حیاط اول از میان آن جاری است. در وسط حیاط حوض بزرگی دیده می‌شود، و چهار درخت بزرگ و سایه‌افکن در چهار گوش آن است که روزهای بار روی حوض سایه می‌اندازند. این حیاط به وسیله دوازده پله سنگ مرمر به حیاط چهارم مربوط می‌شود. سر در مرتفع حیاط اخیر بسیار عالی و باشکوه است، و قسمت پایین آن باسنگ مرمر سپید، که از روشنی و تابانگی چون سنگ سماق می‌درخشند، آذین یافته است؛ و قسمت بالای سردر که به صورت نیمه گنبد است بالقوش زرین و لا جوردی مزین شده است. در پایین و اطراف حیاط چهارم، حجره‌های بسیاری بناشده که مانند اتاق‌های سه حیاط دیگر ایوان و مهتابی دارند. در این حجره‌ها طلاق علوم دینی زندگی می‌کنند و هزینه آنان از درآمد اوقاف این استان تأمین می‌شود. عمارت‌های ضریح حضرت معصومه در مقابل بناشده و شامل سه بنای باشکوه و مجلل است که همه در کنار هم و در یک ردیف قرار گرفته‌اند. مدخل بارگاه میانی، که هجدۀ پا عمق دارد، در نهایت شکوه و جلال می‌باشد و سردر آن از سنگ‌های

مرمر سپید و شفاف و پر قیمت ساخته شده است. بالای سردر، نیم گنبدی است که سطح رویه بیرونی آن از کاشی‌های آبی بسیار زیبایی پوشیده شده و سطح داخلیش بالا جور و آب طلا آذین یافته است. اطراف در عمارت، که دوازده بلندی و شش پاپهنا دارد، از سنگ شفاف و روشنی ساخته شده، و سطح در باصفحه‌ای نقره فام که روی آن با طلا و مینا و قلمکاری مزین گشته، پوشیده شده است. بارگاه حضرت مقصومه بنای هشت ضلعی است که بالای آن گنبدی بزرگ و زیبا باشکوه برآفرانشته شده است. سطح داخلی بارگاه از پایین به بالا به قدر شش پا باصفحه‌های بزرگی از سنگ سماق براق و مواجی که روی آنها با طلا و رنگ‌های زیبا شکل گل کشیده شده پوشیده شده، و در سطوح بالا و رأس گنبد، میله‌مانندی ضخیم و بلند به درازای تقریبی بیست پا افزایش شده که سر آن منتهی به هلالی است. این میله از گلوله‌هایی به اندازه‌های متفاوت که روی هم تعییه شده تشکیل گردیده است. همه این گلوله‌ها، که بنا به اعتقاد ایرانیان توپر می‌باشند، از طلای بی‌غش است، و اگر این گفته درست باشد بهای آنها از میلیون‌ها می‌گذرد. به هر روی این تزیینات، زیبا و دیدنی و بس سنگین قیمت می‌باشد. این است ترجمه و مفهوم دعاها و کلماتی که در بارگاه آمده است: «خداده همیشه بوده و همیشه خواهد بود، و جز پروردگار همه کس و همه چیز نیست و فنا می‌شود. حمد و شناسی که در باره ذات پروردگار نباشد همه بیهوده و باطل است، و هر نعمتی که موهبت الهمی نباشد جز سایه و شبیحی از نعمت نیست.

پاکبازان و پرهیز کاران نباید به امید پاداش، خدار استایش و نیایش کنند. لذت جویی و پاداش طلبی شیوه عاشقان راستین نیست. پیوستن به معشوق پایان آرزو و هدف دلدادگان صادق است، و من از آن از خود گسته‌ام تادر دریای بیکران فتابقا یابم.»

در میان این بارگاه، قبر متبرک و مطهر حضرت فاطمه، دختر گرامی حضرت امام موسی کاظم(ع)، هفتمین امام شیعیان است. شیعیان بر این اعتقادند که جانشینان حقیقی حضرت رسول دوازده امامی می‌باشند که از دودمان آن حضرت و دامادش حضرت علی، یکی پس از دیگری ظهرور کردند. طول مزار حضرت مقصومه هشت، عرضش پنج، و بلندیش شش پاست. رو و دورش با کاشی‌های بسیار عالی و زیبا پوشیده شده، و روپوشی زربفت بر آن گسترده شده است. نیم گام دور از مزار، نرده‌ای سیمین و توپر به بلندی شش پا در اطراف آن تعییه شده، و در هر یک از چهار گوشه‌اش گویی بزرگ از زر نصب گردیده است. نرده را دور مزار آن نصب کرده‌اند که زایران نتوانند به مزار مقدس دست بزنند یا ببوسنند. روپوش نیز بدین سبب بر آن گسترده شده که مقبره از دید مردمان پنهان بماند، و تنها با موافقت ارشد متولیان و خادمان و پرداختن مبلغی پول به دیدن خود مزار می‌توان نایل شد. کف بارگاه با قالی‌هایی پشمین، خوش بافت و گرانبها فرش شده، اما روزهای عید روی آنها قالی‌های ابریشمین زربفت می‌گسترانند. ده پا پایین سقف بارگاه چند قندیل نقره آویخته شده است. شکل این قندیل‌ها، که هر کدام قریب شصت مارک وزن دارد، همانند قندیل‌های اماکن متبرک مسیحیان نیست؛ زیرا قندیل‌های بارگاه حضرت مقصومه هیچ یک انبار روغن ندارد و آنها را نمی‌توان روشن کرد. چندان که پرسیدم نتوانستم معنای کلمه قندیل را دریابم. گمان می‌کنم این کلمه از «کاندلیل» لاتینی مشتق شده است. این لفظ را مسیحیان یونانی در باره کسانی به کار می‌برند که مأمور روشن داشتن مشعل‌ها و چراغ‌های معابد می‌باشند، و بساممکن است از کلمة شاندل مشتق شده باشد که در تمام زبان‌های اروپایی نزدیک به هم تلفظ می‌شود، اما معنیشان یکی است. مسلمانان به متصدیان روشن داشتن مشعل‌ها قندیل چی می‌گویند.

بر نرده مزار او دعاها بی به خط زرین نوشته و آویخته شده است. این دعاها بر پوست‌هایی که کاملاً صاف و صیقلی شده، نسبتاً ضخیم و به بزرگی ورق کاغذ است، کتابت یافته است. زائر در حالی که با حضور دل به مزار می‌نگرد، ملائی که همه وقت برای خواندن زیارت‌نامه آماده است، زیارت‌نامه را کلمه به کلمه به او تلقین می‌کند. زایر پس از خواندن دعا و ذکر، دگربار نرده و سپس آستانه را می‌بودسد، سپس مبلغی معادل چهار یا پنج سو، به نسبت دارایی خود، به ملا می‌دهد. زایران پول‌هایی را که نذر مرقد مطهر حضرت مقصومه کرده‌اند در صندوقه آهینه‌ی که به شکل مخروط ناقص است و نزدیک در رودی بارگاه جا دارد می‌ریزند. هر جمعه در صندوق رایاز می‌کنند، پول‌هایی را که زایران در آن ریخته‌اند بر می‌دارند و میان خادمان حرم

قدس تقسیم می کنند.

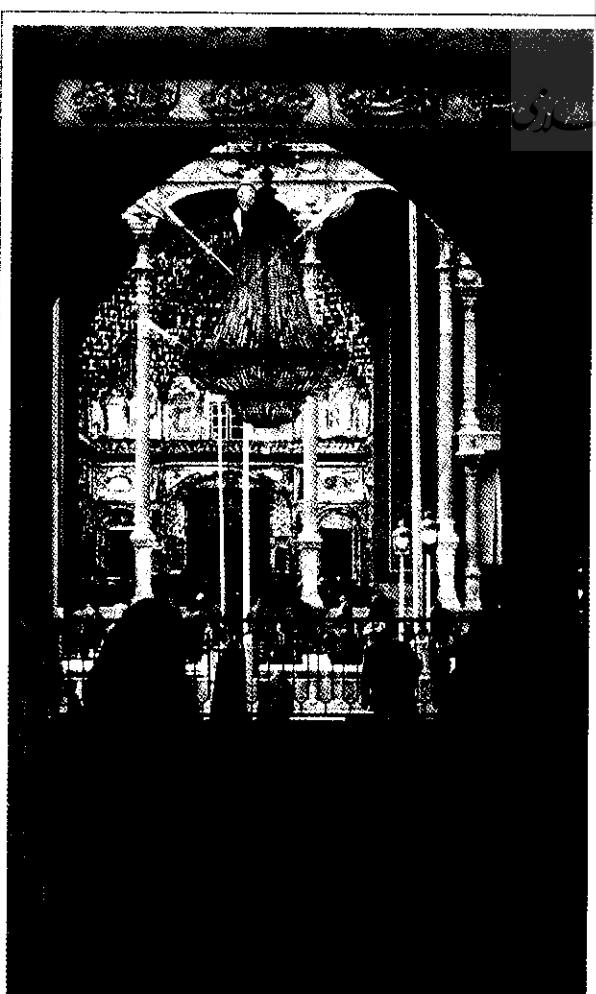
مرقد حضرت فاطمه تازمان حاضر سه بار تعمیر و ترمیم شده است. چون خلفای بغداد شیعیان حضرت علی -علیه السلام- و همه ائمه اطهار را مورد شکنجه و آزار قرار می دادند، امام موسی کاظم، پدر آن حضرت، وی را به شهر قم انتقال داد. حضرت فاطمه طی مدت اقامت خود در این شهر، بناهای بزرگی ساخت و سرانجام در همین شهر جان به جان آفرین تسلیم کرد. شیعیان بر این اعتقادند که به اراده و مشیت باری تعالی آن حضرت پس از مرگ به آسمان ها عروج کرده و در مرقدش چیزی نیست، و این بناهای عالی به یاد اوی برپا شده است. دو ساختمان دو طرف آستان قدس حضرت فاطمه، آرامگاه دو تن از پادشاهان اخیر ایران است.

شامگاهان در سراسر عمارت مرقد، دلانهای ایوانها و جاهای دیگر ساختمان شمع می افروزنند که تا بامداد روشن است. در بارگاه حضرت معصومه نیز شبانگاهان شمع بسیار روشن می کنند. دو شمعدان بسیار بزرگ که هر یک روی سه پایه سنگینی قرار دارد شبانگاه اطراف خود را نور بازان می سازد. هشت تن قاری موقوفند که شب و روز به نوبت قرآن بخوانند. این قاریان، بی آنکه به رفت و آمد کسان اعتقد کنند، به قرائت قرآن مجید اشتغال دارند، و گاهی سر خود را به راست و چپ و جلو و عقب حرکت می دهند؛ زیرا بر این باورند که این کار هم بیانگر اعتقاد بیشتر آنان به مبانی مذهبی است، و هم با دقت و توجه افزون تر قرآن را قرائت می کنند. دوازده قاری نیز باید به نوبت بر سر قبر شاه صفوی قرآن تلاوت کنند. و بیست و پنج تن نیز به نوبت بر سر گور شاه عباس ثانی قرآن تلاوت نمایند.

در پشت و کنار این هر سه مزار، خانه های زیبا، باغچه ها، بناهای بسیار باشکوه که همه مفروش و پاکیزه و دارای اثاثیه لازم می باشند، واقعند. در مغرب، گورستانی، که متجاوز از هزار و پانصد گام مریع وسعت دارد دیده می شود. در این گورستان گورهای کهنه و نو بسیار است. چون در نظر مردم ایران شهر قم به سبب وجود بارگاه حضرت معصومه در آن، قدس است و مردم اگر بتوانند جسد مردگان خود را به آن جامی آورند و به خاک می سپارند.

در سمت راست بنا، دیواری بلند و عریض است که از آجر ساخته شده و آن در حقیقت سدی است در برابر طغیان رودخانه قم که از پایین دیوار می گذرد. مردم ایران به این مکان قدس، آستان مبارک معصومه می گویند؛ و این نام در الهیات سزاوار کسی است که در تمام مدت عمر خود هرگز مرتکب گناه نشده است. در هر سال قریب سه هزار و دویست تومان، معادل صد و چهل هزار لیور، به مصرف نگهداری و دیگر خدمات این بناهایی رسید. از این مبلغ هزار و پانصد تومان خرج آرامگاه شاه عباس ثانی، هزار تومان هزینه مقبره شاه صفوی، و هفتصد تومان خرج آستان قدس حضرت معصومه می شود. مخارج نگهداری و تعمیر و ترمیم بنای هزینه نگهداری اثاثیه، بهای شمع و روغن مشعل ها، خرج روزانه روحانیون ساکن آستانه و طلاب علوم دینی، و هزینه اطعام بینوایان و مستمندان از این محل تأمین می شود.

سه نفر از رجال سرشناس و مهم ایران سمت تولیت بارگاه های سه گانه را دارند و مسؤولیت هر بارگاه به عهده یکی از آنهاست. عایدات و مخارج هر بارگاه زیر نظر مستقیم [www.nodrmags.ir](http://www.nodrmags.ir)



متولی آن تنظیم می‌شود. عنوان متولی‌ها «ترتیب‌دار» است، و انتخاب امام جماعت، برگزیدن مؤذن، قندیل‌چی، که قندیل‌ها و شمع‌ها را روشن می‌کند، مأموران نظافت که هم بناهارا جارو و تمیز می‌کنند، و هم مسؤولیت تهیه آب جهت وضو و تطهیر می‌باشند، از جمله وظایف آنهاست.

پیر مردم سرشناس و محترمی که سابقاً سمت قورچی باشی داشته، یعنی فرمانده کل سی‌هزار مرد سپاهی بوده، اکنون متولی آستانه مقدس است. قم جز این بناهارا دارای بسیار عمارت‌های رفیع و باشکوه می‌باشد و روی هم رفته شهر خوبی است».

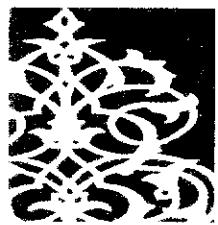
در سال ۱۶۹۴/۵/۱۱ یک ایتالیایی دیگر به نام «جملی کارری» در زمان سلطنت شاه سلیمان صفوی به ایران آمد و آنچه را که دید و شنید، چون نقاشی چیره دست به روی کاغذ آورد. «کارری» کمی پس از تاورنیه به ایران آمد و از او در سفرنامه خویش یاد کرده است. اما گزارش‌های او از شهرهای ایران، به ویژه شهر مقدس قم، با گزارش‌های تاورنیه و سیاحان پیشین و معاصر در برخی زمینه‌ها متفاوت است. کارری نکته‌ای را یاد کرده است که برای ما مسلمانان ایرانی سخت عبرت آموز است. او می‌نویسد: «قم چند مسجد زیاد است. اگر مخارج هنگفتی که برای بنای مساجد تازه صرف می‌شود، به مصرف تعمیر و نگهداری این چند مسجد قدیمی بر سد، آنها را از ویرانی و انهدام نجات خواهد داد. متأسفانه به این نکته توجه نمی‌شود و هر ثروتمندی برای آمرزیده شدن گناهان و زنده ماندن نامش به ساختمان مسجد تازه‌ای اقدام می‌کند ولو چند سال پس از مرگ او مبدل به تل خاک شود. از این رواست که روز به روز شمار مساجد ویران افزون می‌شود».

از نگاه ما انتقاد «کارری» با هر نیتی که گفته باشد نیک و بجاست؛ زیرا هم‌تی که در راه احداث مساجد به کار گرفته می‌شود، هرگز مصروف نگهداری و پاکیزگی آنها نمی‌گردد. چه بسیار مساجدی که بر اثر عدم رسیدگی کافی، ویران و یاد است کم کثیف و بدمنظر گردیده‌اند و رونق مسلمانی را بردند.

بخش عمده گزارش کارری از قم مربوط است به حرم حضرت فاطمه معصومه(س). کارری گرچه در این زمینه اشتباه برخی از سفرنامه‌نویسان پیشین را تکرار کرده، حضرت فاطمه معصومه را دختری واسطه امام حسین(ع) به شمار آورده است، ولی نکته‌های دقیق و طریف از وضعیت حرم مطهر و رواق‌های اطراف آن ثبت کرده است که به راستی ارجمند و زیباست. او در این باره می‌گوید: «راهنمایی اجیر کرد ناهمراه وی به دیدن مسجدی که به اندازه مسجد اردبیل مورد توجه و احترام شیعه‌هاست بروم. در این مسجد قبر شاه صفوی و شاه عباس دوم قرار گرفته است، ولی گویا مقبره اصلی مورد احترام، متعلق به فاطمه بنت امام حسین فرزند امام علی و فاطمه زهراء(س) دختر محمد(ص) می‌باشد! در بالای در بزرگ، کتیبه‌ای به خط طلا در ثنای شاه عباس دوم نوشته شده است. میدان درازی که در هر دو سوی آن دکان‌هایی کوچک بنا گردیده و کاروانسرایی که در سوی دیگر رودخانه ساخته شده، منظره را تکمیل کرده است. سپس به حیاط وسیعی وارد می‌شویم که چون با غی بزرگ با درختان کاج پوشیده شده و از دو طرف بادیوارهای کوتاهی محصور گردیده و در قسمت جلوی آن گل سرخ و دیگر گل‌های بحد زیادی غرس و در دست راست، اطاق کوچکی جهت اطعام مساکین بناشده است.

غرباً و مساکینی که بدان جا می‌آیند با پارچه‌ای (تیکه‌ای) از گوشت و مقداری نان و پلورایگان اطعام می‌گردند. چند حجره دیگر نیز همان جادیده می‌شود که گفتد اشخاص قرضداری که نتوانند از عهده پرداخت دین خود برآیند در آن جام تخصص می‌شوند و در طول مدت تحصین به هزینه اوقاف مسجد امرار معاش می‌کنند و طلبکاران نیز راه اختیاری برای مطالبه طلب خود ندارند.

این حیاط بزرگ به یک حیاط وسیع دیگر متصل است که درختان گوناگون و حجراتی برای خدام و نگهبانان مساجد دارد. از این جادری به حیاط مربع زیبای دیگر باز می‌شود. حوض پرآب و فواره‌ای در حال فوران دارد. در تمام اطراف آن حجرات و اطاق‌هایی جهت ملاها و طلاب علوم دینی بنا گردیده. بعد از بالا رفتن از دوازده پله آجری رنگارنگ که در پای جلوی خان زیبایی قرار دارند، وارد حیاط چهارم می‌شویم که در آن حجراتی



برای طلاب و همچنین مسجد کوچکی بناشد که نمای قشنگی دارد. سه در، در زیر سردر بزرگ آن به چشم می‌خورد؛ وسطی بزرگ است و به مسجد باز می‌شود، دست راستی به مقابری باز می‌شود که در پیش بدان‌ها اشارت رفت، سومی یعنی دست چپی به تالاری باز می‌شود که در آن بین فقراء صدقه توزیع می‌گردد، با این فرق که آستانه و درگاه در وسطی با صفحات نقره پوشیده شده است. وقتی به این جا رسیدم چندتن از ملاها مشغول مطالعه کتاب‌های بزرگی بودند، یکی به جلو آمد جهت تماشای داخل راهنمایی کرد. در این جا برایم روش شد که نوشتۀ تاورنیه که ورود مسیحیان را به این محل ممنوع دانسته، بی‌اساس است.

داخل مسجد هشت ضلعی است، هشت در کوچک گردوبی دارد. قبر فاطمه، نواذه محمد(ص) در وسط مسجد قرار گرفته و نسبت بدان مسجد کوچک، تقریباً بزرگ است. از کنار قبر فقط راهی برای عبور زایران باقی مانده است. روی این قبر چهار گوش، روپوش زریفی انداخته‌اند، اطراف قبر رانیز نزد های نقره‌ای به ارتفاع شانزده پالم محصور گردانیده، زایران چراغ‌هایی از نقره و طلا بدین نزد ها بسته‌اند. بنای مسجد آجری است. روی آجرهای نقاشی شده و سطح داخلی گنبده و سهیله طلا و لاجورد باشکال هندسی تو در تو تزیین یافته است. دست راست به اتاقی راه دارد مانند اتاقی مجالور که در آن، جهت جلوگیری از اغتشاش، بین فقراء صدقه توزیع می‌گردد و با فرش‌های خوب پوشیده شده است. از سمت راست که انسان سه پله بالا رود، با دو در رویه رو می‌شود؛ یکی از آنها مدخل تالاری است مفروش که راهی به مقبره شاه صفی دارد. قبر شاه صفی چهار پالم بلندتر از سطح زمین و پوشیده از پارچه‌ای زریفت است. مقبره از چهار سو دری دارد؛ یکی به مقبره فاطمه و یکی به مقبره شاه عباس و دو تای دیگر هر کدام به حجرهای باز می‌شود.

همه این مقابر گنبده آجری دارند. دور تادور مقبره شاه عباس خانه‌های کوچکی تعییه گردید و در آنها اشیای گران‌بها و نفیس قرار داده‌اند. کف مقبره نیز فرش گران‌قیمتی دارد. در یکی از حجره‌ها کتابخانه‌ای برای مطالعه ملاها ترتیب داده شده. به روی مقبره شاه عباس حریر ستر پر قیمتی انداخته‌اند که با طلا و لاجورد روی آن نقاشی و سخنانی به عربی نوشته شده است».

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود این فراز از گزارش کاری شامل جنبه‌های معماری، هنری و معنوی حرم مطهر حضرت مصصومه می‌شود و نیز به نقش اجتماعی حرم اشاره کرده است. چنان که گذشت کاری از تحصن بدھکاران و گرفتاران در اطراف مرقد دختر پیامبر(ص) و اطعم و اعطای صدقه به نیازمندان به نیکی یاده کرده است.

یکی دیگر از سیاحان اروپایی که مساجد قم را بررسی کرده است بارون دویلد، بازگان روسی، است. وی در سرراه خود، به قم می‌رسد و لحظاتی را در این شهر به سر می‌برد. این بازگان نکته‌سنجه و فعال روسی شرح مشاهدات خود از شیوه زندگی، خصوصیات اخلاقی، تجارت و صنعت مردم را دیده و به قلم آورده است. او در باره مساجد و بقاع متبرکه شهر مقدس قم می‌نویسد: «سه مکان هست که شیعیان به زیارت آن جامی روند. شهر مشهد که درجه تقدس آن از دو تای دیگر کمتر است؛ کسانی به زیارت مرقد امام رضا(ع) می‌روند [مشهدی] خطاب می‌شوند. مرتبه بعدی [کربلایی] است که از حرمت بالاتری برخوردار است؛ در حالی که فقط کسانی می‌توانند مدعی عنوان « حاجی » باشند که به زیارت کعبه و قبر پیامبر در مکه و مدینه رفته باشند. جالب است گهگاه شاهد منزلتی هستیم که عده‌ای، خصوصاً در میان طبقات پایین تر جامعه، به رجحان این القاب می‌دهند. اگر به شخصی که شایسته استفاده از عنوان برتر کربلایی، و یا از آن بالاتر صاحب لقب مطنطن حاجی است، مشهدی خطاب کنید او را آزرده خاطر می‌سازید. به این ترتیب مشهدی، کربلایی و حاجی القابی برای امتیاز محسوب می‌شود و دارندگان آن غرور کمی هم ندارند و اغلب اوقات به آن اندازه هم نادان هستند که این عنوانین را مزیدی بر شایستگی شخصی خود می‌پندارند. لیکن به عوض محکوم کردن قضاؤت فریب آمیز دیگران موظفیم به خویشتن بنگریم و بینیم آیا مانیز توسط انگیزه‌های مشابه و در لوای رنج همان ضعف‌های اسفناک در معزز شمردن تصوّرات مقام دنیوی و عناوین خودمان سوق داده نمی‌شویم؟

در شهر مقدس قم که مرقد فاطمه(ع)، خواهر یکی از امام‌های بزرگ، در آن واقع است فقط مدت کوتاهی آن هم دریک کاروانسرای مخربه توقف نمودم...».

هر چند تازمان مورد بحث، رفت و آمد جهانگردان و بازارگانان روسی به ایران چندان زیاد نبوده است، ولی گروه انگشت‌شماری که به دیدار این سرزمین آمده‌اند، در بیان مشاهدات خود، قلم به تحریر و بدینی هم آلوهه‌اند.

حضور دو هنرمند در هیأت اعزام شده از فرانسه، یعنی اوژن فلاندن به اتفاق هنرمند هموطن خود پاسکال کست به ایران نیز حاوی نکاتی تأمل برانگیز است. فلاندن مانند اغلب جهانگردان اروپایی به جای سپاسگزاری از مهمان نوازی ایرانیان در دوره اقامت دو سال و نیمة خود، علی‌رغم ستایش از هنر و ذوق واستعداد و هوشمندی ایرانیان، می‌کوشد تا چهره زشتی از روحیات و اخلاقیات و آداب و رسوم و به طور کلی فرهنگ ایرانی ارائه کنند، به ویژه آن جا که سخن از عقاید و احکام اسلامی به میان می‌آورد این بدینی و بدینمایی افزون‌تر می‌شود. او جایه جانمایی از خشونت در سیمای مردم ایران تصویر می‌کند که بی‌تر دید برای کسانی که ایران و ایرانیان را از نزدیک مشاهده نکرده‌اند، ناخوشایند است. اوژن فلاندن و هیأت همراه او آثار باستانی ایران در شهرهای تاریخی را از نزدیک مشاهده و بررسی کرده‌اند. فلاندن درباره بنای‌های مذهبی شهر مقدس قم چنین می‌نویسد: «...[شیعیان] خاک قم را مقدس و محترم می‌دانند و از این لحاظ عده‌ای از مقدسین مدفن خود را در قم قرار داده‌اند. قم مقابر متعدد و زیادی دارد که امامزاده یعنی مرقد اعقاب علی(ع) هستند... مقبره فاطمه، که ایرانی‌ها «معصومه» می‌نامند، در تمام مشرق، احترامی بسیار دارد و مردم از اکناف به زیارت‌ش می‌آیند، این فاطمه نوہ علی(ع) است که به همراهی پدرش امام موسی به قم آمد؛ چه امام موسی کاظم می‌خواست از ستمگری‌های خلفای بغداد رهایی یابد. هنگام نزاع ش مردم تصور کردند که خدا اور اباه آسمان برده است. اگرچه مقبره‌اش خالی است ولی عقیده عموم براین است که شایان احترام و زیارت می‌باشد.

این مقبره از مرمر، طلا و موزاییک است. تالاری وسیع دارد که یک تکه نقره می‌باشد. در داخلش به اطراف پیشکش‌هایی را که از قبیل سلاح، سنگ‌های قیمتی، لباس‌های گران‌بها آورده‌اند دیده می‌شود، گبدهش راهم فتحعلی شاه از طلا زینت داده است. مانند سایر اماکن که بدان‌ها پامی گذاردم خواستم بدین مرقد هم وارد شوم. در اثر انعامی که به فراش‌باشی یاراً‌هنمای بیگانگان و عده دادم، مرزا پیچ و خم‌های این حیاط‌ها عبور داد و به زحمت تا آخرین پله که به بقعه یا مرقد می‌رود پیش رفتم. با بهت و تعجب درب مقبره را تماشا می‌کردم که یک مرتبه ملایی غضبناک نزدیک شد. اگرچه جرأت نکرده به سوی من پیش آید، ولی راهنمایم را فحش و ناسازامی داد و بدو دستور داد به فوری این عیسوی را از این محل بیرون بر که حتی حضور راهی را که می‌پیماید نجس می‌سازد. این جملات را به تندی و باشدت بیان کرد و مانند ستاره‌ای مقدس که بر قلب ایرانیان تصویر اندازد از نظر ناپدید شد».

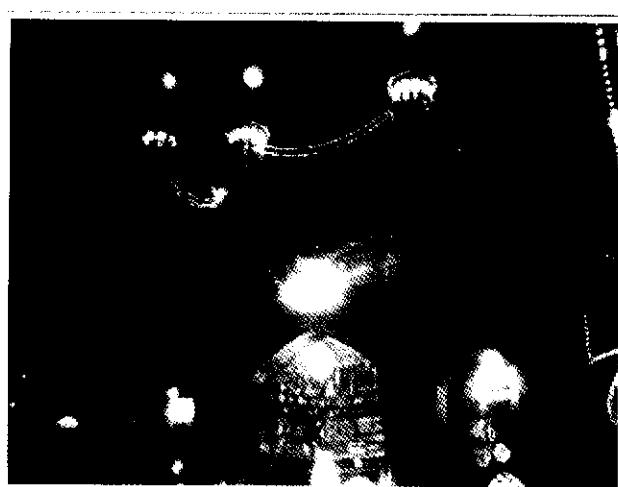
صرف نظر از درستی و یانادرستی گزارش اوژن فلاندن از وضع قم و حرم مطهر حضرت معصومه(س)، با قاطعیت می‌توان گفت که اظهارات او درباره هجرت امام موسی بن جعفر(ع) به ایران و باور شیعیان مبنی بر عروج جنازه وی به آسمان، برپایه روایات و منابع شیعی بی‌پایه است. فوریه، طبیب دربار ناصرالدین شاه قاجار، نیز از دیگر فرانسویانی است که به توصیف مزار حضرت معصومه(س) در قم پرداخته است. فوریه در سفرنامه‌اش که در مورخ ۱۹ مه ۱۲۲۶ شوال نگاشته، آورده است: «وجود این مزار در این نقطه باعث آمده است که شیعیان از جمیع نقاط، اموات خود را برای دفن به این جای بیاورند، چنانکه شاه صفی و شاه عباس و شاه سلیمان از سلسله صفویه و فتحعلی شاه و محمد شاه از سلسله قاجاریه در این محل مدفونند. ناصرالدین شاه هم در همین نقطه در کار تهیه قبری جهت خود هست و امین‌السلطان هر سال برای فاتحه خوانی بر سر قبر مادر خود به این جامی آید».



ایرانگرد آلمانی، هنریش کارل بروگش، (۱۸۷۱-۱۹۴۴) که در باره ایران نیز پژوهش‌های بسیار کرده و دوباره ایران سفر کرده است، در سفرنامه‌اش به شهر مقدس قم پرداخته است. او آنچه را که در باره این دیار دیده و شنیده، از مدخل شهر تا آستانه مقدسه و حرم حضرت معصومه (س)، را چنین به قلم می‌آورد: «... دورنمای قم به معنی واقعی کلمه از فاصله چند میلی می‌درخشد؛ زیرا گندزیارتگاه این شهر را باورقه‌هایی از طلا پوشانده‌اند که نور آفتاب را به شکل خیره کننده‌ای منعکس می‌کند. شاهان ایران علاقه زیادی دارند به این که گندزیارتگاه مقدس را -مانند مزار امامان و امامزاده‌ها - باورقه‌های طلا و نقره پوشانند. زایرانی که به شهر مشهد، که در شمال شرقی ایران نزدیک مرز روسیه قرار دارد، رفتند، در باره شکوه مقبره امام رضا (ع) و درخشش خیره کننده گندزیرن آن بایان احساسی سخن می‌گویند. هر چند باید گفت که توصیف آنها اغراق آمیز نیست چرا که سیاحان اروپایی هم گفته‌هایشان را تأیید کرده‌اند، و در باره ثروت و شکوه و جلال بارگاه امام رضا (ع) مطالب اعجاب‌آوری نوشته‌اند. نقره و طلا، ضریح بزرگ نقره‌ای و پوشش ضخیم طلایی که روی مناره‌ها کشیده شده، میناکاری‌های رنگارنگ بر زمینه طلایی و جواهرات زیادی که آن جا وجود دارد، این مکان مقدس را که در میان زیارتگاه‌های ایران مقام نخست را دارد است، بسیار شکوهمند کرده است. مشهدی‌ها یا زایرانی که از زیارت مشهد مقدس بازگشته‌اند، از اینکه توانسته‌اند در کنار مقبره امام رضا (ع) بایستند و نماز بخوانند، احساس خوب‌بختی می‌کنند.

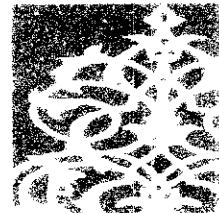
همان معنایی که مشهد برای زایران مرد دارد، شهر قم برای بانوان ایران داراست. آنان حضرت فاطمه، خواهر امام رضا، راحامی خود می‌دانند و در سراسر سال برای زیارت مقبره‌اش به قم می‌آیند و هفته‌های بابکه ماه‌های در این شهر می‌مانند. هجوم زایران زن به این شهر آنقدر زیاد است که در پارهای از فضول واقع‌آجای مناسبی برای سکونت یافت نمی‌شود. این مقبره هم، از جلال و شکوه چیزی کم ندارد. کاشیکاری‌های مناره‌ها و سردر آن بسیار زیباست. طلاکاری‌ها و نقره‌کاری‌های زیبای ضریح مقدس واقع‌آچشم را خیره می‌سازد. تعداد چهار صد چراغ مرصع در اعیاد بزرگ اطاق‌های تاریک و محل مقبره را روشن می‌کنند. خدمتکارانم پیوسته از شکوه و جلال گندز و مقبره فاطمه در قم و همین طور از مقبره‌های فتحعلی‌شاه و چند تن از فرزندانش که بنایه وصیت‌شان در اینجا دفن شده‌اند، سخن می‌گفتند.

اعتقاد زنان ایران نسبت به این زیارتگاه، که رسماً به عنوان یک بست تعیین شده، فوق العاده زیاد است. آنان مزار این باکره مقدس را به سان آرامگاه «زینب» [سته زینب] دختر حضرت [علی و نوہ پیامبر در مصر، مکانی مقدس به شمار می‌آورند و این باکره را یکی از حمامیان خود می‌دانند و چنین اعتقاد دارند که اگر کسی بر مزار وی به شکل معینی دعا بخواند، آرزویش برآورده می‌شود؛ مثلاً بی‌توجهی و بی‌مهری شوهر نسبت به زن به محبت تبدیل می‌شود یا اگر زنی ناز باشد صاحب فرزند می‌شود؛ زن بی‌وفا بخشیده می‌شود و

 عشق و علاقه شوهرش به او افزایش می‌یابد. این موضوع باعث شده است که همواره زنان زیادی از سراسر ایران به قم بیایند. نه فقط زندگان که مردگان نیز به سوی مزار حمامیشان جلب می‌شوند؛ زیرا بسیاری از ایرانیان وصیت می‌کنند که پس از مرگ در جوار این بانوی مقدس دفن شوند. از این رو گورستان پیرامون شهر بسیار وسیع شده و روزبه روزبه و سعیش افزوده می‌شود.

قم مدفن قدیسین دیگری هم هست. بنایه گفته‌های محل قم دارای ۴۴۴ امامزاده کوچک و بزرگ است. سه بار عدد چهار معنای خاصی دارد؛ زیرا در زبان فارسی عدد چهل مانند عدد صد در نزد ما مفهوم کثرت را می‌رساند؛ مثلاً به تالاری

که دارای ستون‌های زیادی است «چهل ستون» می‌گویند، جار را «چهل چراغ» و هزارپارا «چهل پا» و گاهی اوقات هم ویرانه تخت جمشید را «چهل منار» می‌نامند.



سیر سفر نامه

۱. سیری در سفر نامه‌های فواد فاروقی، تهران: انتشارات عطایی، ۱۳۶۱.
۲. سفر نامه‌دن گارسیادسیلو افیگوئرو، ترجمه غلام مرتضی‌اسمعیلی، تهران: نشر نو، ۱۳۶۳.
۳. سفر نامه پیترو دلاواله، ترجمه شجاع الدین شفاه، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۴۸.
۴. سفر نامه الماریوس، ترجمه احمد بهپور، تهران: سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار، ۱۳۶۲.
۵. تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس، محمود محمود، ج ۱، تهران: بی‌نا، بی‌نا.
۶. خاطرات مأموریت رُنال گاردن در ایران، ترجمه عباس اقبال آشیانی، به کوشش همایون شهدی، بی‌جا: بی‌نا، بی‌نا.
۷. فلاندن، اوژن، سفر نامه فلاندن به ایران، ترجمه حسین نور صادقی، تهران: انتشارات اشرفی، ۱۳۶۲.
۸. شرح حال عباس میرزا ملک آزاد، عبدالحسین نوابی، تهران: بی‌نا، ۱۳۵۶.
۹. روزنامه خاطرات ناصر الدین شاه، سفر سوم فرنگستان، کتاب دوم، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، بی‌نا.
۱۰. سه سال در ایران، دکتر فوریه، ترجمه عباس اقبال آشیانی، مقدمه مؤلف، بی‌جا: بی‌نا، بی‌نا.
۱۱. شاردن، سفر نامه شاردن، ترجمه حسین عربیضی، تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۶۲.
۱۲. تاورنیه، ڈان باتیست، سفر نامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، اصفهان: انتشارات کتابخانه سنتی و کتابفروشی تایید، ۱۳۶۳.
۱۳. صاحبی، محمد جواد، «قم از نگاه بیگانگان»، ماهنامه کوتیر، شماره‌های ۱ تا ۱۲، فروردین - اسفند، ۱۳۷۶.

مرکز تحقیقات کاپی تویر علوم اسلامی